

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۲ سپتمبر ۲۰۲۲



محمد محق

"شبکه حقانی" و "شورای کویته"، کدام یک بد، کدام یک بدتر؟

ملت‌های خوش‌بخت و باثبات دنیا که دارای نظام‌های مردمی و مبتنی بر ارزش‌های انسانی هستند هنگام رفتن به پای صندوق‌های رأی، تمام تمرکز خود را بر این می‌گذارند که ببینند از میان جناح‌های سیاسی کدام یک خوب و کدام یک بدتر است، اما ملت‌های بدبخت و سیروز همیشه با گزینه شوم انتخاب میان بد و بدتر دست به گریبانند. آنان انتخاب میان خوب و بدتر را مانند دیگر داشته‌های لوکس می‌دانند که مخصوص "از ما بهتران" است و تنها در رؤیا و خیال دست یافتنی است.

در یک سال گذشته، پس از آشکار شدن اختلافات درونی جناح‌های طالبان، که هم از نظر صف‌بندی‌های قبیله‌ای و منطقه‌ای به چند دسته تقسیم می‌شوند و هم از نظر گرایش‌های فکری، مردم افغانستان و هم‌زمان با آنان جامعه جهانی با این پرسش رو به رو بوده است که از میان "شبکه حقانی" و "شورای کویته" کدام یک بد است و کدام یک بدتر؟

سران شورای کویته، به رهبری ملا هبت الله و ملا برادر، به کمک لابی‌گران شان در خارج تلاش دارند سیگنال‌هایی را به غرب بفرستند که شبکه حقانی بدتر است و باید در هم کوبیده شود تا عرصه تنها در اختیار آنان بماند. پاره‌ای از سیاست‌مداران غربی هم که از شرایط افغانستان خسته و از بهبود اوضاع ناامیدند، به معادله انتخاب میان بد و بدتر تن داده‌اند. از نظر شماری از تحلیل‌گران، حملات هواپیماهای بی‌سرنشین بر شماری از چهره‌های متعلق یا نزدیک به جناح حقانی نشانه‌ای از این انتخاب است که گویا قرار است از این طریق توازن به سود شورای کویته تغییر کند. داوری قطعی در این باب پیش از وقت است، اما خطر تن دادن به چنین بازی باخت-باختی زنگ‌های خطر را برای مردم افغانستان بیش از گذشته به صدا در می‌آورد.

مردمی که بیست سال تمام زیر سایه انتحار و انفجار زیسته‌اند می‌دانند که هر دو جناح یادشده کار خود را با کشتار بی‌گناهان به پیش بردند، هر دو جناح هم‌دست گروه‌های تروریست بین‌المللی بوده‌اند، هر دو جناح از طریق زور و خشونت خود را بر مردم تحمیل کردند، هر دو جناح به دیگر اقوام کشور به چشم اتباع درجه دوم نگاه می‌کنند، هر دو

جناح معتقد به تبعیض قومی، زبانی، مذهبی، و منطقه‌ئی هستند، هر دو جناح به حقوق شهروندان بی‌باور اند، هر دو جناح با نظام مبتنی بر خواست مردم مخالفت دارند و هر دو جناح به دنبال برپائی نظامی سرپا استبدادی، تمامیت‌خواه و سرکوبگر هستند. ممکن است در پاره‌ای از مسایل جزئی مانند تعلیم دختران، دامنه صلاحیت وزارت امر به معروف، نوع رابطه با کشورهای همسایه و منطقه، و میزان استفاده از خشونت روزمره در برابر شهروندان تا حدی متفاوت باشند، و اتفاقاً جناح حقانی در این زمینه‌ها واقع‌گراتر است، اما این قضایای جزئی تأثیری اساسی به حال مردم ندارد.

اگر در پی یافتن معیاری دقیق‌تر برای تعیین بد و بدتر باشیم، جناحی که دو روی‌تر و فریب‌کارتر است بدتر و خطرناکتر است، زیرا می‌کوشد با فریب مردم در داخل و جامعه جهانی در خارج، سیطره خود را محکم‌تر و عمر آن را درازتر گرداند.

افغانستان نیازمند شکل‌گیری نظامی است که در آن کاستی‌های بنیادی یاد شده برطرف شده، حقوق اساسی شهروندان تضمین شده، زمینه سهم‌گیری مردم در تعیین سرنوشت شان فراهم شده، راه حاکمیت قانون هموار شده و معضله چرخش قدرت بدون خون‌ریزی و خشونت برای همیشه راه حل یافته باشد. تن دادن به بازی بد و بدتر، تنها به تداوم دور باطلی می‌انجامد که نتیجه‌اش چرخش بی‌پایان چرخه خشونت است.

آیا تقدیر گریزناپذیر ما همیشه انتخاب میان بد و بدتر است؟